

Analyzing moral themes related to womenfolk in Azarbad MehrEspandan's instruction in the field of educational concepts

Soheila Kamjoo*

Abstract

Wisdom literature has a special place among Pahlavi texts due to the presentation of moral concepts. In this regard, the admonition text attributed to Azarbad MehrEspandan's from Mowbedān-mowbed of Shapur II era of Sassanid era contains interesting teaching points which was written with the aim of educating the generation. The present essay aims to analyze the didactic approaches of this text regarding women in the descriptive and analytical method and based on the available translations from the Middle Zoroastrian Persian sources and seeks to answer the question that; What were the teachings of Azarbad MehrEspandan's text regarding women and what factors influenced its content? The researches show that in the mentioned directive, women's education has been given special attention in the context of family and communal life. The findings of the research indicate that the educational approaches of women in the above-mentioned instruction are: 1. Paying attention to marriage and having children; 2. Education and acculturation; 3. Attention to the behavioral characteristics of shame and modesty; 4. Lack of trust in women. This means that even though Azarbad believes in providing education for women along with their children; But he considered women to be subordinate to men, who should be under the care of their husbands, and caution should be observed in relations with them. This attitude was influenced by the educational tradition before the Sassanid era, which was passed down from breast to

* Phd in history of Ancient Iran, Education of Lar, Lar, Iran, SoheilaKamjoo@gmail.com

Date received: 2023/03/16, Date of acceptance: 2023/07/30



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۲۲۲ تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

breast, and in the oral education literature, women were placed in a lower rank than men, and it was confirmed in this text as well.

Keywords: Sassanians, Middle Zoroastrian Persian texts, Womenfolk, Wisdom literature, Azarbad MehrEspandan.

واکاوی مضامین اخلاقی مرتبط با زنان در اندرزنامه آذرباد مهر اسپندان در حوزه مفاهیم تعلیمی

سهیلا کامجو*

چکیده

ادبیات اندرزی در بین متون پهلوی به دلیل طرح مفاهیم اخلاقی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا متن اندرزی منسوب به آذرباد مهر اسپندان از موبدان موبد عصر شاپور دوم ساسانی حاوی نکات تعلیمی قابل تأملی است که با هدف تربیت نسل نگاهشده شده است. جستار حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر ترجمه‌های موجود از منابع کهن فارسی میانه زرتشتی بر آن است تا رهیافت‌های تعلیمی این متن را در خصوص زنان مورد واکاوی قرار دهد و در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که؛ تعالیم اندرزی متن آذرباد مهر اسپندان در خصوص زنان چه بوده و چه عواملی بر محتوای آن تاثیرگذار بوده است؟ بررسی‌ها بیانگر این است که در اندرزنامه مزبور تعلیم زنان در چارچوب معطوف به زندگی خانوادگی و اجتماعی مورد توجه ویژه قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که رهیافت‌های تعلیمی زنان در اندرزنامه مزبور عبارتند از: ۱. اهتمام به ازدواج و فرزندآوری؛ ۲. تعلیم و فرهنگ‌پذیری؛ ۳. توجه به ویژگی رفتاری شرم و حیا؛ ۴. عدم اعتماد به زنان. بدین معنا که هر چند آذرباد معتقد به فراهم نمودن بستر آموزش و تعلیم برای زنان در کنار فرزندان است؛ اما زنان را تابع مردان دانسته که می‌بایست تحت تکفل همسر بوده و در روابط با آنان جانب احتیاط رعایت شود. این نگرش متأثر از سنت تعلیمی پیش از عصر ساسانی بوده که سینه به سینه منتقل شده و در ادبیات تعلیمی شفاهی، زنان را در رتبه‌ای پایین‌تر از مردان قرار داده و در این متن نیز بر آن صحه گذاشته شده است.

* دکترای تاریخ ایران باستان، آموزش و پرورش لار، لار، ایران، SoheilaKamjoo@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۸



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: ساسانیان، متون فارسی میانه زرتشتی، زنان، اندرزنامه، آذرباد مهراسپندان.

۱. مقدمه

اصطلاحات اندرز و پند، بخشی از ادبیات پهلوی است که از گذشته های دور در ادبیات فارسی جایگاه ویژه ای داشته و سپس در ادبیات فارسی نو متجلی شده است. بخش اصلی این متون به طور معمول گفتارهای کوتاه و آموزنده است که این جملات کوتاه، پیوستگی چندانی با هم ندارند و ساخت روایی آنها منسجم نیستند. حوزه موضوعی اندرزنامه های پهلوی به عنوان ادبیات عامیانه برجای مانده از عصر باستان، به مباحث اخلاق اجتماعی، فرهنگی و دینی اختصاص دارد. در واقع در ادبیات عامیانه، تکیه گوینده اندرز بر فهم و آموزش مبانی اخلاقی برای عامه است و به همین دلیل تحریرهای اندرزی پهلوی کوتاه هستند تا بتوانند بر خواننده و شنونده تأثیرگذار باشند. بنابراین، گویندگان اندرز را می توان آموزگاران فرهنگی دانست که با هدف نشان دادن بخش های مغفول اخلاق و یا گاهی دین در اجتماع، مطالبی را بیان کرده اند.

متن اندرزی آذرباد مهراسپندان که از مهم ترین اندرزنامه های پهلوی است با رویکردی فرهنگی اجتماعی به بیان اندرزهای اخلاقی پرداخته و معیارها و رفتارهای شایسته برای یک فرد زرتشتی را بیان نموده است. خوانش و فهم این اندرزنامه، بیانگر توجه گوینده اندرز به فرهنگ عامه و نیاز جامعه زمان خویش به یادآوری برخی اصول اخلاقی و اجتماعی است. نکته قابل تأمل در این متن اندرزی این است که گوینده اندرز از موبدان موبد و از متولیان امور دینی در عصر ساسانی است. بنابراین رویکرد اندرزی وی متأثر از باورهای دینی زرتشتی نیز می باشد. می توان پنداشت که از این منظر اندرزنامه ها در واقع منبعی هستند که باورهای دینی را نیز بازتاب می دادند. از سوی دیگر، به نظر می رسد گوینده اندرز با توجه به اقشار اجتماع در سطوح میانی و پایین جامعه و جهت تعلیم آنان، نکات اندرزی خویش را بیان کرده است. به این معنا که بر خلاف خدای نامه ها و سیاست نامه های عصر ساسانی که جهت تعلیم و بهره مندی سیاستمداران و اقشار مرفه جامعه بیان شده اند، این اندرزنامه در پی آموزش انگاره های اخلاقی اجتماعی به طبقات متوسط و فرودست جامعه بوده است. از جمله نکات تعلیمی که در خلال اندرز آذرباد مهراسپندان قابل توجه است، نگاه به شخصیت زنان و جایگاه آنان در اجتماع و ارائه انگاره های اخلاقی در خصوص زنان است. واکاوی این انگاره ها می تواند مسأله ای برای پژوهش در خصوص زنان عصر ساسانی باشد. بنابراین، هدف این

پژوهش تبیین مفاهیم تعلیمی مرتبط با زنان در اندرزنامه‌های عصر ساسانی با تکیه بر متن اندرز آذرباد مهراسپندان است. با طرح این پرسش که نگاه متن اندرز آذرباد مهراسپندان در خصوص زنان چه بوده و متاثر از چه عواملی است؟ فرضیه مورد نظر آن است که این متن اندرز، نگاهی تعلیمی و اخلاقی به زنان داشته و ریشه عناصر اخلاقی مطرح شده در خصوص زنان در این اندرزنامه، به پیش از دوره ساسانی باز می‌گردد. عبارات اندرز کوتاه در این متن، نگاهی نه چندان خوش‌بینانه را نسبت به زنان مطرح نموده و زنان را افرادی دانسته که در ارتباط با آنان باید جانب احتیاط را رعایت کرد.

۱.۱ پیشینه پژوهش

به‌رغم این‌که درباره اندرزنامه‌های پهلوی، پژوهش‌هایی انجام شده؛ اما در مورد جایگاه زنان در اندرزنامه آذرباد مهراسپندان پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. در پژوهش‌های اندرزنامه‌ای، میرفخرایی (۱۳۹۱) در مقاله «بازتاب اندرزنامه‌های پهلوی در ادب و حکمت ایران اسلامی»، مولفه‌های اندرز پهلوی در عصر اسلامی را بررسی کرده است. گشتاسب و حاجی‌پور (۱۳۹۲) در «دست‌نوشته‌ای نو از اوشنر دانا»، نسخه‌های دست‌نویس این متن اندرز را بررسی کرده‌اند. نیک‌خواه و همکاران (۱۳۹۶) در «بررسی اثرپذیری منظومه ویس و رامین از اندرزنامه‌های پهلوی در حوزه مفاهیم تعلیمی»، میزان اثرپذیری منظومه مزبور از اندرزنامه‌های عصر ساسانی را بیان کرده‌اند. مرسل‌پور و شیرمحمدی (۱۳۹۶) «تأثیر اندرزهای اردشیر ساسانی بر سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک» را در متن عهد اردشیر بررسی کرده‌اند. آذرانداز (۱۳۹۷) در «سه اندرزنامه منظوم دوره ساسانی به زبان پهلوی»، مطالبی را در باب اهمیت اندرزنامه‌های منظوم و تأثیر آن بر اذهان مردم بیان کرده است. همچنین اصلانی (۱۳۹۸) در کتاب *اندرزنامه‌نویسی در ایران باستان*، به اهمیت اندرزنامه‌نویسی و معرفی عناصر تشکیل‌دهنده اندرزنامه‌ها در دوره باستان پرداخته است. در مقاله پیش رو، متمایز از نمونه‌های گفته شده، به‌صورت مطالعه موردی، جایگاه زنان در اندرزنامه آذرباد مهراسپندان از جنبه رهیافت‌های اندرز تعلیمی مورد بررسی قرار گرفته و به انگاره‌های فرهنگی و رفتاری این اندرزنامه در خصوص زنان توجه شده است.

۲. سنت اندرزنامه‌نویسی در دوره باستان

دوران حکومت ساسانیان از ادوار مهم و تاثیر گذار بر فرهنگ و تمدن ایران است. زیرا سازمان اجتماعی و فرهنگی ایرانیان در این دوره نظم یافته و رو به تکامل گذاشت (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۷۷). از طرفی جریان معنوی و فرهنگی ایرانیان در هیچ زمانی متوقف نشده و به تناسب بستر و فضای اجتماع و در قالب سخنان اخلاقی در مکاتب گوناگون جلوه‌گر شده است. در ادبیات اندرزی برجای مانده، سه نکته قابل مشاهده است: ۱. توصیه‌هایی در خصوص قوانین اخلاقی - رفتاری زرتشتی؛ ۲. اندرزهایی درباره آداب معاشرت؛ ۳. توصیه‌هایی درباره رفتار منطقی و ذهن سنجیده.

مباحث مطرح شده در اندرزنامه‌ها با تکیه بر خرد تدوین شده‌اند. زیرا خرد در جهت پیشرفت زندگی مادی و معنوی افراد ضروری دانسته شده است (Macuch, 1996: 116-196). از سوی دیگر، در فرهنگ جامعه ایرانی از دیرباز جهان هستی بر پایه خرد قرار گرفته و در اصول گاهانی زرتشت اندیشه‌های خردورزی قابل مشاهده است (آموزگار، ۱۳۸۶: ۲۲۲). اندیشه‌های جاری در اندرزنامه‌های پهلوی، باطنی و مبتنی بر آموزه‌های اهورامزدا یا خیر مطلق است. بن‌مایه این جریان معنوی از دیرباز در اندیشه علمی و عملی حکما جاری و در سده‌های نخستین هجری نیز این اندیشه‌ها به وضوح به حیات خویش ادامه داده و در قالب نصیحت‌نامه‌ها به منصف ظهور رسیده است (مانکجی لیمجی، ۱۳۹۳: ۱). بنابراین اندرزنامه‌ها که در بردارنده اصول اخلاق اجتماعی هستند، تحت عنوان متون پهلوی به سده‌های نخستین هجری رسیده و بازنویسی شده‌اند (مشرف، ۱۳۸۹: ۱۲). ایرانیان پیش از اسلام مردمانی معتقد به اصول اخلاقی بودند. لذا اخلاقیات مهم‌ترین بخش ادبیات پهلوی محسوب می‌شود (تفضلی، ۱۳۷۷: ۱۸۰).

باید توجه داشت که آموزه‌های مطرح شده در اندرزنامه‌های پهلوی و پندنامه‌ها و یا وصیت‌نامه‌ها طبق آموزه‌های زرتشت در اوستا و سایر متون پهلوی تا آثار اخلاقی اسلامی، دارای مضامین مشترک اخلاقی هستند که گویای علاقه ایرانیان در ادوار مختلف تاریخ، به مبحث اخلاق و اهمیت آن در اجتماع است. این متون اندرزی در سده‌های نخستین هجری و در عصر انتقال فرهنگ ایرانی به اسلامی، به منظور تأثیرگذاری بر قوم عرب و با هدف تأکید بر حکمت ایرانی ترجمه شدند (کراچی، ۱۳۹۰: ۴۸-۴۵). بنابراین، مؤلفان و مترجمان متون اندرزی با هدف تبیین و تفسیر آموزه‌های اخلاقی ایرانی در طی سالیان دراز، جهت ثبت و شناسایی این دستاورد ارزشمند تمدنی، به بازنویسی و ترجمه اندرزنامه‌ها همت گماشتند.

به نظر می‌رسد مؤلفان و مترجمان این متون درصدد بودند از این طریق به اصلاح نابسامانی‌های اجتماعی و اصلاح نارسایی‌های خانوادگی که در تحولات و تغییرات پس از سقوط ساسانیان و ورود اعراب مسلمان به ایران ایجاد شده بود، بپردازند. مطالب اندرزی مطرح شده در این متون از طرفی بیانگر شرایط خاص اجتماعی و نیاز جامعه به یادآوری و اتکا بر اخلاقیات برای رسیدن به جامعه‌ای باثبات است و از سوی دیگر علاقه‌مندی و اخلاق‌مداری آیین زرتشت و اهتمام ویژه به مباحث اخلاقی را می‌رساند.

اندرزنامه‌ها به‌طور معمول به یکی از بزرگان دین مزدیسنا و یا یکی از سران و شهریاران ایرانی نسبت داده شده است؛ مانند اندرز آذرباد مهر اسپندان (اندرز خسرو قبادان، ۱۳۲۹: مقدمه). این امر یعنی انتساب هر اندرزنامه به شخصیتی شهیر در گام اول کمی تأمل برانگیز است؛ اما در این انتساب، نکته قابل توجه این است که شهرت هر کدام از این شخصیت‌ها و انتساب متون به آنها، حفظ متن و انتقال آن را امکان‌پذیر ساخته است (دوفوشه کور، ۱۳۷۷: ۲۲-۲۱). اردشیر بابکان نخستین پادشاه ساسانی، بنیان نوشتن اندرز و وصیت‌نامه را در امپراطوری گذاشت (مسکویه، ۱۳۷۳: ۱۹۲). ضروری است به این نکته توجه شود که متن اندرزی اردشیر، بنام عهد اردشیر در واقع نوعی سیاست‌نامه جهت تعلیم ملکداری به پادشاهان بعدی ساسانی است. در حالی که متن اندرزی آذرباد مهر اسپندان در رسته ادبیات عامیانه قرار دارد و مخاطب این اندرزنامه عامه مردم هستند. این متن اندرزی، مطالبی را در باب اخلاقیات و شیوه زندگی بیان نموده و افراد را از رفتارهای نامعقول و سودجویانه برحذر داشته است. باید توجه داشت که مضامین اخلاقی موجود در اندرزنامه‌ها حاصل اندیشه‌های نویسنده نیست؛ بلکه فرهنگ و عادات اخلاقی چندین نسل است (کراچی همان: ۴۷-۴۸). مهم‌ترین اندرزنامه‌های پهلوی موجود عبارتند از: اندرز پیشینیان، چیده‌اندرز پوریوتکیشان، اندرز دانایان به مزدیسنان، اندرز خسرو قبادان که از جاذب‌ترین اندرزنامه‌های عصر ساسانی است، اندرز بهزاد فرخ‌پیروز، اندرز آذرفرنبغ فرخزادان، اندرز بخت‌آفرید و آذرباد زرتشتان، یادگار بزرگمهر، اندرز دستوران به به‌دینان و اندرز آذرباد مارسپندان (متون پهلوی، ۱۳۷۱: ۷-۸). در واقع سخنان اندرزی دارای اقبال بلندی بودند که هم‌چنان امتداد یافته و چنان به زندگی مردم وارد شدند که در حاشیه سفره‌های غذا و بر روی ظروف نیز نکات اندرزی دیده می‌شوند (میرفخرایی، ۱۳۹۱: ۱۰۸). بدین معنا که سخنان اندرزی به دلیل کوتاه و جذاب بودن، قابلیت آموزشی خاصی داشته و گویا روح جملات اندرزی با روح هر دوره‌ای در تناسب بوده است. سنت اندرزنامه‌نویسی در قالب جملات کوتاه اخلاقی با

فرهنگ عامه هم‌خوانی داشته و در طول سالیان دراز برای حفظ فرهنگ و آداب و رسوم استفاده می‌شده است.

می‌توان گفت تمدن‌های مشرق‌زمین گرایش ویژه‌ای به اندرزنامه و مفاهیم کوتاه اخلاقی دارند (محمدی ملایری، ۱۳۸۰: ۲۵۹). تمدنهای بین‌النهرین باستان نیز به اهمیت تأثیر این نکات اخلاقی بر اذهان مردم واقف بوده و به نوعی در این امر پیشگام بوده‌اند.

۳. اندرزنامه آذرباد مهراسپندان

در کتاب سوم و ششم دینکرد و قسمتی از متن روایت پهلوی، به اندرزهای بزرگان عصر ساسانی مانند آذرباد مهراسپندان اشاره شده است (Macuch, 1996: 116-196). آذرباد مهراسپندان از موبدان موبد برجسته عصر ساسانی است که در دوران شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹م) می‌زیسته است. وی ریاست عالی امور دینی عصر خویش را برعهده داشت و مشاور شاه نیز بوده است (کریستن‌سن، ۱۳۹۴: ۱۳۰). وی در مناقشات مذهبی زمان خویش نقش عمده‌ای داشت. در واقع موبدان موبد، نه تنها امور معنوی را در اختیار داشتند، بلکه تعلیمات آموزشی در سطوح مختلف ابتدایی تا عالی را مدیریت می‌کردند (همان: ۱۳۳).

آذرباد مهراسپندان در دوران فرمانروایی شاپور دوم نقش مهمی در اختلافات مذهبی ایفا نمود و به منظور اثبات حقانیت دین زرتشتی از «ور» گرم (ریختن فلز مذاب بر سینه) عبور نمود (Macuch, 1996: 116-196). می‌توان پنداشت که آذرباد مهراسپندان در اجتماع عصر خویش به عنوان موبدان موبد، در بیان عقاید و ارزش‌های بنیادین جامعه عصر ساسانی نقش قابل تأملی داشته است. در عصر ساسانی موبدان موبد، با رویکرد دینی به تأویل و تفسیر مباحث اخلاقی و فرهنگی در جامعه می‌پرداخت. اندرزنامه منسوب به آذرباد مهراسپندان در ۱۵۴ بند اندرزی بیان شده و ویژگی بارز این اندرزنامه پرداختن به زنان و نگرش و دیدگاه گوینده اندرز نسبت به زنان است. به نظر می‌رسد این اندرزها مدت‌های طولانی سینه به سینه نقل شده است تا زمانی که بنا به شرایط خاص (در معرض خطر فراموشی قرار گرفتند)، در سده‌های نخستین هجری به صورت مکتوب درآمدند. این تحریر اندرزی در بردارنده دانش اخلاقی و ادبی است، بدین مفهوم که خصوصیات مقبول روحی و معنوی یک زرتشتی در قالب ادبیات عامیانه بیان شده است. این اندرزنامه یکی از عرصه‌های مهم شناخت ادبیات عامیانه پهلوی است. اندرزنامه آذرباد مهراسپندان نسبت به سایر اندرزنامه‌های پهلوی مفصل‌تر است و چنان‌که اشاره شد در بردارنده پنداره‌های اخلاقی است. وجود اندرزنامه‌های

پهلوی بیانگر اهمیتی است که این نوشته‌های اخلاقی در روزگار ساسانیان داشته‌اند. آذرباد مهراسپندان در اندرزهای خویش با رویکردی قابل تأمل، قوانین خانوادگی و نحوه تعامل با زنان را بیان نموده است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۱.۳ لزوم توجه به ازدواج و فرزندآوری

در فرهنگ جامعه زرتشتی توجه به نهاد خانواده از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. هرچند سیر تحول آن در هاله‌ای از ابهام به نظر می‌آید، اما اهتمام دین‌مردان و موبدان در پاسداشت اصول و قواعد خانوادگی و مکتوب نمودن آن ارزش و قداست این نهاد را روشن‌تر می‌سازد. ترکیب مفاهیم اندرزنامه مهراسپندان را می‌توان مانند سایر کتب پهلوی در مبحث ازدواج و تشکیل خانواده دانست. بدین معنی که برای ازدواج و تشکیل خانواده و فرزنددار شدن ثواب بسیار تعیین شده و اگر از ازدواج فرزندی پدید آید، تا جهان برپاست کارهای نیک فرزندان به پدر و مادر نیز می‌رسد و اگر پدری اهل دوزخ باشد می‌تواند به شفاعت فرزند خویش نجات یابد (کریستن‌سن همان: ۱۳۳-۱۳۴). بنابراین تشویق و پاداش ازدواج و فرزنددار شدن در اندرزنامه آذرباد به استناد مفاهیم دین زرتشتی و متکی بر آموزه‌های آن است. بررسی در متون و اندرزنامه‌های پهلوی گویای آن است که تشویق به ازدواج در هیچ کدام از منابع پهلوی و در هیچ دوره‌ای به ضعف نگرائیده و همواره از آن به‌عنوان یک امر مقدس و فریضه واجب برای زرتشتیان یاد شده است.

متون دینی پهلوی همواره از ازدواج با عنوان عامل خشنودی امشاسپندان یاد نموده‌اند (روایت پهلوی، ۱۳۶۷: ۴۹-۵۰) و این مطلب در تمامی متون فقهی و دینی پهلوی وجود دارد. البته در برخی متون مانند روایت پهلوی بنابر شرایط خاص اجتماعی به‌ویژه در سده‌های سوم و چهارم هجری و کم شدن جمعیت زرتشتیان تأکید بیشتری بر ازدواج و فرزندآوری شده است. زیرا جامعه زرتشتی در حال کاستی و زوال بوده است و موبدان در پی تداوم حیات آیین زرتشتی بودند. بنابراین، وجود جمعیت زرتشتی می‌توانست آنان را در رسیدن به اهداف و پاسداشت آیین زرتشت یاری برساند.

از جمله نکاتی که آذرباد به آن توجه خاص داشته مبحث ازدواج و اختیار نمودن همسر است. وی در پندهای کوتاه اخلاقی، ویژگی همسر شایسته را بیان نموده و معتقد است که افراد در این مرحله از حیات خویش باید دقت و تیزبینی کافی داشته باشند. او خطاب به پدران می‌گوید: «دخت خود را به زیرک و دانا مرد ده، چه مرد زیرک و دانا همانند زمین

نیک (است) که تخم بر آن افکنند (و) از آن بسیار گندم اندر آید» (آذرباد مهراسپندان، ۱۳۷۹: ۸۱).

این اندرزنامه بنابه سنت سایر اندرزنامه های پهلوی، بار دیگر مسأله ازدواج و اهمیت آن در آیین زرتشتی را به روشنی تداعی نموده و بیانگر این نکته است که مرد نیکرفتار می تواند ضامن بقاء نژاد دودمان بوده و نسلی نیک را پرورش دهد. بنابراین، پدران را هوشیار نموده که دختران خود را به هرکسی ندهند؛ بلکه در این میان به سجایای اخلاقی افراد نظر داشته باشند و در پرورش نسلی پاک بکوشند.

این تحریر در بندی دیگر به مردان توصیه می کند که زن جوان اختیار کنند (همان، ۱۱۱). این بند به طور ضمنی به مسأله زایش و باروری زنان نیز اشاره دارد. زیرا قابلیت زایش در سنین جوانی بیشتر است. از این رو، به مردان توصیه شده که زن جوان برگزینند، زیرا بر مبنای شواهد، تعدد فرزند برای یک زرتشتی خوشبختی و امتیاز بوده و روان وی در تن پسین به آسانی می توانست از پل چینود عبور کند. بررسی این اثر اندرزی بیانگر اهمیت و تأثیر ازدواج بر خانواده و اجتماع است. لذا گوینده اندرز معتقد است که مردان می بایست در روزهای فرخنده مبادرت به ازدواج نموده و زن مورد علاقه خویش را انتخاب و مراسم خواستگاری و عروسی را برگزار کنند.

آذرباد می گوید در رام روز (یکی از روزهای ماه زرتشتی) زن خواه و کار و رامش کن (متون پهلوی، همان، ۱۰۸). گویا از دید معتقدان و دانایان زرتشتی در این روز، پیش بردن و آغاز کارها با گشایش همراه بوده است. بنابراین توصیه می کند که برای انتخاب همسر، مردان در این روز اقدام به خواستگاری و یا ازدواج نمایند. برای ازدواج و گزینش همسر به مارسپندروز (روز بیست و نهم هر ماه) و انیرانروز (روز سی و م هر ماه) نیز اشاره شده است، با این استدلال که فرزند حاصل از ازدواج در این روزها مشهور و نیک خواهد شد (همان، ۱۰۹).

می توان به آسانی پنداشته ها و باورهای دینی زرتشتیان را در لابلای این متن اندرزی مشاهده نمود. به این معنا که این اندرزنامه در سطحی نسبتاً وسیع تر نسبت به سایر اندرزنامه های پهلوی، به مبحث ازدواج و فرزندآوری و اهمیت آن اشاره کرده است. البته آذرباد همان گونه که مردان را از ازدواج با زنان پیر نهی می کند، به مردان پیر نیز توصیه می کند که با زنان جوان و نابرنای ازدواج نکنند (همان جا). شاید یکی از دلایل این امر این باشد که در سنین پیری توان مردان کاهش یافته و کهولت سن در رفتار و کردار آنها نیز تأثیرگذار است. بنابراین اگر فرزندی از این ازدواج به وجود آید، نمی تواند پاکی و نیکی را که میراث نیاکان است بگیرد

و قوت این امر در سنین جوانی بیشتر است. این اندرز به‌طور ضمنی به انجام ازدواج و تشکیل خانواده در سنین جوانی که توانایی جسمی و روحی انسان بیشتر است، اشاره دارد.

۲.۳ اهمیت ازدواج با زنان خویشاوند

در دوره ساسانی ازدواج با نزدیکان پشتوانه و تضمین پاک ماندن نژاد دانسته شده و به آن سفارش شده است. به این معنا که شایستگی افراد با اصالت و نژاد آنان سنجیده می‌شود. حتی پادشاهی مانند اردشیر بابکان جدا از پدر و نیاکانش سزاوار تخت شاهی نیست. (دینکرد چهارم، همان، ۷۴) و خود اردشیر بابکان نیز معتقد است ازدواج با نزدیکان ضامن حفظ و بقاء نژاد است (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۴۳).

آنچه آشکار است تأکید بر اصالت نژاد و پاکی خون از جمله مولفه های اخلاقی مشترک میان متون فقهی و اندرزی پهلوی بوده است و از آن با عنوان فره و تکلیف بزرگ یاد شده است (دینکرد پنجم، ۱۳۸۸: ۶۰). در باب علت تأکید و اهتمام به ازدواج با نزدیکان علاوه بر مبحث پاکی نژاد، گفته شده ازدواج با نزدیکان و با زنان از خانواده خود این حسن را خواهد داشت که معمولاً زنان خودی همواره در جهت رضایت شوهر حرکت نموده و در کمبودهای زندگی دم برنمی‌آورند، اما زنان بیگانه هر اندازه بیشتر در ناز و نعمت باشند به همان میزان از شوهران خویش سرپیچی نموده و گاهی کار را به دادگاه دادوران می‌کشاند و اگر در کم‌ترین موردی خواسته آنان برآورده نشود سخنان ناروا می‌گویند (دینکرد سوم، ۱۳۸۱: ۱۴۸-۱۴۳)

بنظر می‌رسد این بینش آئینی که زنان خودی با کمبودها و کاستی‌های خانواده کنار آمده و معترض نمی‌شوند از جمله مواردی است که جهت تشویق به ازدواج با نزدیکان بیان شده است. زیرا از این منظر موبدان معتقد بودند که در این گونه ازدواج‌ها مشکلات خانوادگی به بیرون از سطح خانواده نرسیده و استحکام و قداست بنیان خانواده پابرجا خواهد بود به این معنا که در سایه پیوند خانوادگی نزدیک، قوت و پویایی نژاد و خون تحقق خواهد یافت و نظام خانواده دچار آسیب و فروپاشی نخواهد شد. زیرا هر کدام از طرفین ازدواج، از یک نژاد و خون بوده و سعی میکنند رضایت یکدیگر را جلب نموده و باور دینی خویش مبنی بر ثواب سترگ ازدواج با نزدیکان را تحقق بخشند. در چنین ازدواج‌هایی خانواده دچار گسستگی نخواهد شد و هم‌خونی از عوامل اصلی این استحکام محسوب می‌شود در بینش اندرزی آذرباد نیز

به‌طور صریح به این مساله اشاره شده و از این رسم کهن با احترام یاد شده است. دقت در جمله اندرزی زیر این نکته را روشن تر می‌سازد:

زن از پیوند خویش کنید که پیوندتان دورتر رود (تداوم یابد) چه بیشترین آشفتن و کین و زیان (که) به آفریدگان هر مزد آمد بیشتر از آن بود که (مردم) دختر خویش را (به زنی به پسر دیگران) داده و برای پسر خویش دختر کسان (دیگر) را به زنی خواستند تا بدین ترتیب دوده (خویش) را تبه کنند (آذرباد مهر اسپندان، ۱۳۷۹: ۱۱۸) (متون پهلوی، همان، ۱۷۷).

چنان‌که اشاره شد یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های متون پهلوی و مفاهیم اندرزی سفارش و توصیه به ازدواج خویشاوندی است. این نکته را باید در نظر داشت که آذرباد یک موبد دینی بوده و با رویکرد دینی مطالب اندرزی خویش را بیان نموده است. بنابراین یافتن وجوه اشتراک در متون دینی پهلوی و اندرزی غریب نیست و میتوان اندرزنانه‌های عصر ساسانی را به عنوان منبعی تغذیه‌کننده از متون فقهی و دینی پهلوی دانست. آذرباد معتقد است که اگر ازدواج به شیوه خویدوده انجام گیرد نسل تداوم می‌یابد و اگر غیر از این باشد و دختران و پسران بیگانه و غیرخویش با یکدیگر ازدواج نمایند بیشترین رنج به مردم خواهد رسید، زیرا در این صورت نسل و نژاد افراد از بین رفته و دوده (خانواده) تبه می‌شود. لذا آذرباد پندار تداوم نسل و ازدواج درون خانوادگی مایه مسرت و خوشبختی دانسته است که می‌بایست به این اصول پایبند بود. این سفارش می‌تواند صورت دیگری نیز داشته باشد به این معنا که ازدواج خویدوده به احتمالی در زمانی که این اندرز بیان و مکتوب شده رو به ضعف بوده است. بنابراین به عنوان یک سفارش مهم توسط یکی از رهبران زرتشتی در لحظات پایانی عمر بیان‌شده و این تمهید را برای نیل به خوشبختی لازم دانسته است. گویا زندگی شاد و دوام آن در سایه این سبک ازدواج تحقق می‌یابد که در جهان‌بینی زرتشتی به آن تأکید زیادی شده است. بنا بر باورهای مندرج در متون دینی پهلوی فرجام و رستگاری افراد در روز موعود یا تن‌پسین در گرو خویدوده ورزیدن (ازدواج با نزدیکان) است که دشواریهای تن‌پسین و رستاخیز را آسان می‌کند.

۳.۳ لزوم گماشتن زنان به تحصیل

بیان عقاید فرهنگی در قالب رویکردهای اندرزی که ریشه در ارزش های بنیادین جوامع دارد گویای این نکته است که در بسیاری از موارد گویندگان اندرنامه ها، هنجارهای فرهنگی و اجتماعی عصر خویش را در قالب جملات کوتاه اندرزی بیان نموده اند. زیرا ادبیات اندرنامه‌ها به دلیل سادگی جملات، عامه پسند بوده و مورد توجه قرار می گرفته اند.

اردشیر بابکان معتقد به اهمیت بالایی اندرنامه‌ها در زندگی اجتماعی است (عهد اردشیر، ۱۳۴۸: ۱۰۰). زیرا مصادیق و مفاهیم اخلاقی و فرهنگی موجود در اندرنامه‌ها به تفسیر رفتار صحیح افراد در اجتماع یاری می رسانند. اندرنامه‌ها همواره به دلیل کوتاه و ساده بودن لحن ادبی آن طرفداران زیادی داشته است.

در باب ضرورت فرهنگ پذیری و آموزش به زنان در متن اندرزی آذرباد مهر اسپندان چنین آمده است:

«زن و فرزند خویشان جدا از فرهنگ مهل که تو را تیمار و رنج گران بر نرسد، تا پشیمان شوی» (متون پهلوی همان، ۱۰۰).

هرچند نقش تاریخی زن برای زایش و فرزندآوری در این اندرنامه مورد توجه قرار گرفته و بر آن تاکید شده است اما نکته قابل تاملی که در این متن اندرزی وجود دارد این است که، مردان همانگونه که موظف هستند زمینه فرهنگ پذیری و آموزش را برای فرزندان خویش فراهم سازند، می بایست زمینه آموزش و تعلیم را برای زنان خویش نیز فراهم نمایند. زیرا از دیدگاه گوینده اندرز، غفلت از این مسأله برای مردان رنجی سنگین در پی خواهد داشت و لطماتی را به زندگی خانوادگی آنان وارد خواهد ساخت.

در واقع بخشی از اندرز آذرباد مبتنی بر انگاره های فرهنگی و تاکید بر توسعه آموزش است دقت در جمله اندرزی زیر این نکته را روشن تر می سازد:

«اگر تو را پسری باشد به کودکی به دبیرستان ده چه دبیری چشم روشنی است» (همان، ۱۰۳).

هر چند این اندرز بیانگر اهمیت انتقال فرهنگ و آموزش در اجتماع است اما تاکید بر جنسیت و فرستادن فرزندان پسر به مراکز آموزشی و دبیرستانها گویای این نکته است که مبانی نظری اندیشه برتری فرنام‌ها و صفات دلیلی بر زند پسر در جامعه وجود داشته است و مردان در اجتماع عصر ساسانی دارای اهمیت بیشتری بوده اند.

این نکته یعنی اهمیت فرزند پسر در اندرزه‌های کهن تر و در مضامین فرهنگی بین‌النهرین باستان نیز به چشم می‌خورد و در این تمدن زنانه که فرزندان پسر بدنیا می‌آوردند مورد تمجید قرار می‌گرفتند (Gardascia, 1959: 229). باید توجه داشت که هرچند در باور ایرانیان باستان برخی عناصر مقدس، مانند زمین و جهان هستی بصورت مونث پنداشته شده‌اند (Bartholomae, 1961: 476). که بنظر می‌رسد بدلیل تشابه مبحث زایش زنان و باروری زمین باشد اما در اوستا و سایر مکتوبات پهلوی از زنانه که فرزند پسر بدنیا آورده‌اند با احترام یاد شده است (Geldner, 1886: 70). این نکته در متن کوتاه اندرزی آذرباد مهر اسپندان نیز به چشم می‌خورد که علی‌رغم اینکه معتقد به فرهنگ پذیری و تعلیم زنان و فرزندان است در جایی دیگر به اهمیت آموزش فرزندان پسر توجه ویژه داشته و بر فرستادن آنان به مراکز آموزشی تاکید نموده است.

این نکته یعنی اعتبار و اهمیت جنسیت مردانه در کتب فقهی پهلوی نیز قابل توجه است و مردان در لابلای مفاهیم و فتوهای دینی از امتیازات بالاتری نسبت به زنان برخوردارند. (قائم مقامی، ۱۳۹۲: ۱۱۳) در متن اندرزی دینی مینوی خرد نیز زنان افرادی ضعیف معرفی شده‌اند که می‌بایست مورد حمایت قرار گیرند. (مینوی خرد، ۱۳۹۷: ۴۸) بنابراین می‌توان نوعی ارتباط معنادار بین متون فقهی پهلوی و اندرنامه آذرباد مهر اسپندان درخصوص زنان یافت. می‌توان پنداشت که سنت دیرپای اندرنامه نویسی و مفاهیم تعلیمی موجود در اندرنامه‌ها به نوعی با انگاره‌های دینی تناسب داشته و در تقابل نبوده‌اند.

۴.۳ ترویج نگاه بی‌اعتمادی به زنان

نکته قابل توجه در مباحث اندرنامه‌های عصر ساسانی و مضامین مطرح شده در آن، این است که گاهی اوقات این جملات کوتاه اندرزی توسط خوانندگان دوره گرد و بصورت شفاهی برای مردم خوانده می‌شده است (Boyce, 1968: 55-56). بنابراین عامه مردم عناصر اخلاقی اندرنامه‌های عصر ساسانی را شنیده و با آن آشنا بوده‌اند. بدین سان اندرنامه‌های پهلوی حاوی اطلاعات ارزنده‌ای از انگاره‌های فکری و فرهنگی پذیرفته‌شده در عصر ساسانی هستند و گویای قوت این سبک از ادبیات تعلیمی در عصر باستان می‌باشند.

نگاه به زنان در اندرنامه آذرباد مهر اسپندان نگاه به موجودی است که باید تحت تکفل بوده و می‌بایست جانب احتیاط را در مورد وی رعایت نمود.

واکاوی مضامین اخلاقی مرتبط با زنان در اندرزنامه آذرباد مهر ... (سهیلا کامجو) ۲۳۵

مصادق این مطلب در بند یازده متن اندرزی آذرباد بصورت راز به زنان مبر (آذرباد مهراسپندان، همان، ۹۷) (اوشنر دانا بی تا: بند ۵۲) بیان شده است. از سوی دیگر در برخی متون پهلوی نیز به عدم وجود عقل و خرد در زنان اشاره شده است (عریان، ۱۳۷۱: ۸۵). در این نگرش‌ها رد پای اندیشه‌های کهن و دیدگاه‌های سنتی نسبت به زنان به وضوح دیده می‌شود. در واقع در دوره ساسانی هنوز دیدگاه‌های سنتی در مورد زنان رایج بوده و در گویش‌های اندرزی تبلور یافته است. در کتاب کلیله و دمنه که در دوره انوشیروان ساسانی از هند وارد ایران شده و از سانسکریت به پهلوی ترجمه گردید زنان مانند افعی دانسته شده اند که نمی‌توان به آنان اعتماد نمود (منشی، ۱۳۷۷: ۲۰۸). در متن دینکرد ششم این نکته بدین صورت بیان شده است:

«هم‌چنین بدیهی است که انسان نباید راز را به انسان‌های حراف و زنان بگوید، چون راز فاش می‌گردد و انسانی که راز را به حرافان و زنان گفته پشیمان خواهد شد.» (دینکرد ششم، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

باور طرح شده در این اندرزنامه در خصوص زنان، ذهنیتی برخاسته از بی‌اعتمادی به زنان را بیان می‌کند. انگاره بی‌اعتمادی به زنان به‌طور معمول در برخی اندرزنامه‌های پهلوی از جمله اندرز پیشینیان نیز وجود دارد؛ اما وجه تمایز اندرز آذرباد مهراسپندان با سایر تحریرهای اندرزی پهلوی در خصوص زنان، چنانکه اشاره شد این است که در این اندرزنامه به اهمیت آموزش به زنان و فراهم نمودن بستر لازم جهت تعلیم زنان در کنار فرزندان اشاره شده است.

تکرار این توصیه‌ها در متون اندرزی گویای دیرینگی و یادمان اندیشه پدرسالاری در ادوار بسیار کهن است که همچنان تداوم یافته و در اعصار مختلف و در شرایط خاص اجتماعی مجال بازنویسی یافته اند. نگاه نه چندان خوشبینانه به زنان و احتیاط در روابط با آنان از جمله نکات اندرزی است که بنظر می‌رسد قدمت آن به قبل از دوران ساسانی می‌رسد. زیرا چنانکه اشاره شد این عدم اعتماد در مکتوبات تمدنهای بین‌النهرین باستان نیز وجود داشته است. و زنان همواره از دید اندرزنامه‌های کهن افرادی بوده‌اند که مانند کودکان باید مراقب آنها بود و نکاتی را به آنها تعلیم داد. توصیه و اندرزهای اخلاقی به مردان و زنان در اندرزنامه‌ها بسیار قابل تامل بوده و حاوی نکات ارزنده‌ای از شرایط اجتماعی و دیدگاه‌های بزرگان درخصوص شخصیت انسانی زنان است.

در اندرزنامه آذرباد مهر اسپندان به ویژگی زنان و مردان نیک و اهمیت حضور آنان در بقاء خانواده چنین اشاره شده است:

«مردان می بایست زن دانا و شرمگین (باحیا) را به همسری برگزینند و همچنین مردان نیک کردار و خوش خیم را هرچند کم شکوه به دامادی انتخاب کنند، زیرا یزدان امور آنان را کفایت می کند» (متون پهلوی، همان، ۱۰۳).

توجه به ویژگی شرم و حیا در زنان از ریشه دارترین اعتقادات زرتشتیان است که معتقد بودند این ویژگی ضامن بقای خانواده خواهد بود و زنانی که این ویژگی را داشته باشند هرگز تن به روابط خارج از چارچوب خانواده نمی دهند. برجستگی عناصر اخلاقی و مهم بودن آنها در آیین زرتشت سبب شده تا مردانی که دانا هستند اما ثروت و یا قدرتی ندارند نیز به عنوان گزینه های مناسب ازدواج برای دختران معرفی گردند، زیرا مهم ترین اصل در آیین اخلاقی زرتشتی پاکی و دانایی بوده و چنین افرادی مورد عنایت خاص اهورامزدا قرار می گیرند و زندگی شان بهبود خواهد یافت.

از سوی دیگر بنا به سنت اخلاقی سایر متون پهلوی در اندرزنامه آذربادمهراسپندان نیز به مردان توصیه شده همواره به زن خویش نظر داشته و وی را دوست داشته باشند (همان، ۱۰۲). به این معنا که به زنان دیگر توجه نکنند و هویت خانوادگی خویش را مستحکم نگه دارند.

از طرفی به زنان نیز سفارش شده همواره به شوهران خویش نظر داشته باشند و در جهت خشنودی همسر خویش بکوشند (روایت پهلوی، همان، ۵۰).

در کتاب ظفرنامه منسوب به ابن سینا که حاوی نکات اندرزی بزرگان در روزگار باستان است گرایش زن به شوهر در ردیف گرویدن بنده به خدا آمده است (ظفرنامه بی تا: ۳۸). این نکته یعنی تبعیت زن از مرد از مولفه های اصلی متون پهلوی در خصوص زنان محسوب می شود که خواهان اطاعت زنان از شوهران خویش هستند.

خواجه نظام الملک در کتاب سیرالملوک ضمن شرح داستانی از بزرگمهر وزیر خسرو انوشیروان ساسانی (۵۳۱-۵۷۹م) یکی از دلایل سقوط ساسانیان را نفوذ زنان در دستگاه حاکمیت ساسانی بیان میکند و معتقد است که کارهای مهم همچون مملکت داری کاری مردانه محسوب می شود و اگر زنان به آن راه یابند خرابی به بار می آید (نظام الملک، ۱۳۹۸: ۲۲۲).

در مجموع می توان پنداشت که زنان از دیدگاه برخی آموزگاران دینی افرادی مورد اعتماد نبودند. زیرا در این اندرز به صراحت از گفتن راز به آنان نهی شده و به این مطلب اشاره شده که اگر کسی راز را به زنان بگوید پشیمان خواهد شد. به این معنا که زنان نمی توانند افرادی امین در نگهداری راز باشند. این تفکر از دیرباز گویای نگاه بدبینانه نسبت به زنان است که به اندرزنامه های پهلوی نیز راه یافته و مجال بروز یافته است. این عقیده در واقع باوری

واکاوی مضامین اخلاقی مرتبط با زنان در اندرزنامه آذرباد مهر ... (سهیلا کامجو) ۲۳۷

تازه نبود بلکه پیشینه ای کهن در فلات ایران داشت. اما از آنجایی که شرایط سیاسی و اجتماعی در مبحث حقوق زنان همواره تاثیرگذار بوده است در برخی برهه ها مانند قرون نخستین هجری، این مساله یعنی عدم اعتماد به زنان در متون پهلوی پررنگ تر بیان شده است.

۴. تأثیر سنت‌های اندرزی زنانه پیشین در مفاهیم تعلیمی اندرزنامه آذرباد مهرا سپندان

به نظر می‌رسد اندرزهای آذرباد مهرا سپندان حاوی مبانی و اصول اخلاقی بسیار کهنی است که قرن‌های متمادی در فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون وجود داشته است. در واقع می‌توان تناسب و شباهتهایی بین اندرزهای آذرباد و کتب بسیار قدیمی مانند افسانه اخیقر در تمدن بین‌النهرین باستان یافت. افسانه اخیقر متعلق به دوران پادشاهی سنخاریب و اسارحدون آشوری است. (قرن هفتم ق.م) قسمتهایی از این متن در تحریر آرامی بازمانده از قرن پنجم ق.م در جزیره الفانتین مصر پیدا شده است. افسانه اخیقر به نوشته‌های اخلاقی یونانی، سریانی، عربی، ارمنی و اسلاوهای قدیم و کتاب طوبیت و لقمان نیز راه یافته است (Macuch, 1996: 116).

به این ترتیب می‌توان بخشی از اندرزنامه های پهلوی را مبتنی بر گویش های اندرزی بین‌النهرین باستان و الواح سومری و بابلی دانست که با جملاتی تعلیم مانند گشاده دست باش -بخشش سبب خشنودی خداست قابل شناخت هستند(اصلائی، ۱۳۹۸: ۲۷). از طرفی با توجه به دیرینگی اندرزها و تداوم سلسله وار مبانی اخلاقی آن در اندرزنامه های عصر ساسانی، اندرزنامه ها را می‌توان نخستین متن هایی دانست که باورهای تعلیمی قابل فهم برای عامه مردم را در خصوص زنان طرح نموده اند. که هر چند این سخنان نشأت گرفته از دیدگاهی نه چندان خوشبینانه نسبت به زنان است، اما ریشه و امتداد آن به گذشته‌های دورتر باز می‌گردد.

۵. نتیجه گیری

چنان‌که اشاره شد اندرزنامه نویسی شاخه‌ای از ادبیات پهلوی است که در فرهنگ و ادب فارسی از دیرباز جایگاه ویژه ای داشته است. در واقع ادبیات عامیانه از جمله منابع تعلیم و

آگاهی مردم در باب شیوه صحیح زندگی از گذشته های دور بوده است. تحریرهای اندرزی کوتاه برجای مانده از عصر ساسانی، که منتسب به حکما و بزرگان آن عصر همچون آذرباد مهراسپندان موبد موبدان عصر شاپور دوم ساسانی است، به دلیل سادگی و قابل فهم بودن برای عموم مردم دارای اهمیت خاصی است. در این اندرزنامه گفتارهایی کوتاه و آموزنده در موضوعات مختلف زندگی همچون ازدواج، تربیت فرزند، ارتباط با همسر، و مضامین اخلاقی دیگری وجود دارد که دغدغه تربیت نسل در آن آشکار است. از موضوعات مهم مطرح شده در این اندرزنامه توجه به ساختار خانواده و اهمیت آن در اجتماع است. زنان به عنوان یکی از اعضای اصلی بنیان خانواده با مسوولیت هایی همچون باروری و زایش که در فرهنگ جامعه زرتشتی از اهمیت ویژه ای برخوردار است در این متن کوتاه معرفی می شوند. آذرباد به مبحث تعلیم و آموزش زنان در کنار فرزندان توصیه کرده و آن را ضامن بقاء خانواده و آسودگی خاطر دانسته است. مندرجات اخلاقی این تحریر حاوی ارتباط مفاهیم اخلاقی عصر ساسانی با تحریرهای اندرزی قبل از عصر ساسانی است. بدین معنا که مبانی اندرزی طرح شده در این متن دیرینگی داشته و مشابه این پندها در خصوص زنان در تمدن های بین النهرین باستان نیز وجود داشته است. بینش فرهنگی طرح شده در اندرزنامه آذرباد مهراسپندان در خصوص زنان هر چند قائل به تعلیم، تربیت و فراهم نمودن بستر لازم جهت بهره مندی زنان از آموزش است و فراهم نمودن امکانات لازم جهت این امر بر عهده شوهران گذاشته شده، اما در ادامه با تفکیک جنسیتی، به فرستادن فرزندان پسر به دبیرستان جهت حصول و یادگیری آموزش های لازم و رسیدن به شغل دبیری تاکید نموده و از فرزندان دختر نامی به میان نیاورده است. از سوی دیگر بنا بر سنت تمدنهای کهن بین النهرین در بند اندرزی دیگری زنان را افرادی غیر قابل اعتماد و فاقد خرد دانسته که نباید راز را به آنها گفت. از طرفی به دو ویژگی حیا و دانایی در زنان اشاره نموده و معتقد است زنانی که دارای این ویژگی ها هستند مورد عنایات ایزدی قرار خواهند گرفت. در مجموع بنظر می رسد هر چند محتوای اندرزنامه، روحیات و آرمان های یک فرد زرتشتی را به تصویر کشیده است اما متاثر از ادبیات عامیانه و اندیشه های کهن پدرسالاری، زنان را در رتبه ای پایین از مردان قرار داده است.

کتابنامه

اصلانی، نسرن (۱۳۹۸). *اندرزنامه نویسی در ایران باستان*، تهران: اندیشه احسان.

واکاوی مضامین اخلاقی مرتبط با زنان در اندرنامه آذرباد مهر ... (سهیلا کامجو) ۲۳۹

اندرز خسرو قبادان (۱۳۲۹). ترجمه و حواشی و فرهنگ پهلوی محمد مکرری، چاپ دوم، تهران: انتشارات چهر.

اوشنر دانا (بی تا). ترجمه ابراهیم میرزای ناظر، تهران: هیرمند.

آذرباد مهر اسپندان (۱۳۷۹). ترجمه رهام اشه، تهران: فروهر.

آموزگار، ژاله (۱۳۸۶). زبان، فرهنگ و اسطوره، تهران: معین.

تفضلی، احمد (۱۳۷۷). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران: سخن.

دوفوشه کور، هانری (۱۳۷۷). اخلاقیات، مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری، ترجمه محمد علی امیر معزی، عبدالمحمد روح بخشان، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران.

دینکرد چهارم (۱۳۹۳). آوانویسی، ترجمه، واژه نامه، پژوهش مریم رضایی، زیر نظر سعید عریان، تهران: انتشارات علمی.

رمضان ماهی، سمیه؛ فدوی، محمد و حسن بلخاری (۱۳۸۹)، «تجلی آیین ور در نگاره گذر سیاوش از آتش»، هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، ش ۴۱، بهار، صص ۵۳-۶۲.

روایت پهلوی (۱۳۶۷). متنی به زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی) ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

زرین کوب، روزبه (۱۳۸۱). تاریخ ایران باستان، تاریخ سیاسی ساسانیان، تهران: انتشارات سمت.

ظفرنامه (بی تا). منسوب به ابوعلی سینا، با مقدمه و حواشی و تصحیح غلامحسین صدیقی، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.

عهد اردشیر (۱۳۴۸). پژوهش احسان عباس، ترجمه محمدعلی امام شوشتری، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.

قائم مقامی، ناهید (۱۳۹۲). «موقعیت زنان در دین زرتشتی بر اساس کتب فقهی و دینی»، هفت آسمان، دوفصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب، سال پانزدهم، ش ۶۰.

کتاب پنجم دینکرد (۱۳۸۸). آوانویسی، ترجمه، تعلیقات، واژه نامه متن پهلوی، ژاله آموزگار، احمد تفضلی، چاپ دوم، تهران: انتشارات معین.

کتاب سوم دینکرد (۱۳۸۱). متنی به زبان پهلوی، آوانویسی، یادداشت ها و ترجمه بر اساس دین کرد چاپ مدن گزارش فریدون فضیلت، دفتر یکم، تهران: انتشارات فرهنگ دهخدا.

کتاب ششم دینکرد (۱۳۹۲). تدوین کنندگان پیشین آذرفرنبغ پسر فرخزاد، آذرباد پسر امید، ترجمه فرشته آهنگری، تهران: انتشارات صبا.

کراچی، روح انگیز (۱۳۹۰). هشت رساله در بیان احوال زنان از ۱۰۰۰ تا ۱۳۱۳ هجری قمری، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲۴۰ تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

- کریستن سن، آرتور (۱۳۹۴). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشیدیاسمی، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات نگاه.
- متون پهلوی (۱۳۷۱). گردآورنده جاماسب جی دستور منوچهر جی جاماسب آسانا، گزارش سعید عریان، تهران: انتشارات کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۸۰). *تاریخ و فرهنگ ایران از دوران انتقال از عهد ساسانی به عصر اسلامی*، ج ۴، تهران: توس.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۴). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، ج ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۳). *تجارب الامم و تهاقب الهمم فی اخبار ملوک عرب و العجم*، ترجمه یحیی کلانتری، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- مشرف، مریم (۱۳۸۹). *جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران*، تهران: انتشارات سخن.
- منشی، نصرالله (۱۳۶۲). *کلیله و دمنه*، چاپ دوم، تهران: انتشارات طاهری.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۹۱). *بازتاب اندرزنامه های پهلوی در ادب و حکمت ایران اسلامی*، نشریه کهن ادب فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره ۳، ش ۱.
- مینوی خرد (۱۳۹۷). ترجمه احمد تفضلی، چاپ ششم، تهران: انتشارات توس.
- نظام الملک، حسن بن علی (۱۳۹۸). *سیرالملوک*، تصحیح محمود عابدی، تهران: فرهنگستان ادب فارسی.

Bartholomae, ch. (1961). *Altiranisches Worterbuch*. Berlin: Walter De Gruyter.

Boyce, M. (1968). *Middle Persian Literature*. Handbuch der Orientalistic. Abt. 1. Bd. 4. Abs. 2: Literatur Lief. 1, Leiden, pp. 31-66.

Gardascia G. (1959). *Le statut de la femme dans les droits cuneiformes*. Recueil de la societs jean bodin brussels 11: 79-94.

Geldner, K.F. (1886). *Avesta: The sacred Books of the Parsis*. stuttgart: W. Kohlhammer.

Macuch, M. (2009). "Pahlavi Literature". *A History of the Persian Literature; The Literature of Pre-Islamic Iran*. eds. Ronald E. Emmerick & Maria Macuch. vol. XVII. Pp. 116-196.